هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

سرمقاله

حادثهٔ تروریستی وزیراکبرخان به نگرانی های جدی دامن زده است ص۲

به مناسبت روز جهانی مهاجرت:

مهاجرت ودشواری های آن ص۳

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و هشتم ۲۸ قوس ۱۳۸۸ – ۲ محرم الحرام ۱٤۳۱ 19- December 2009

پیام جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت حادثهٔ انفجار سه شنبه ۲۴ قوس وزیراکبرخان

إنالله و إنا إليه راجعون

حادثه انفجار روز سه شنبه ٢٤ قوس وزیر اکبرخان کابل، یکی از وحشیانه ترین وهولناک ترین حادثهٔ تروریستی بر ضد مردم بی گناه ما می باشد. این حادثهٔ وحشیانه بیش از ده کشته و بیش از سی تن مجروح به جای گذاشت. یکی از قربانیان این حادثه جوان رشید سید عبدالقدوس است که از دوران کودکی تا کنون در محیط مبارزه و جهاد پرورش یافته و همواره در خدمت مردم و وطن تلاش کرده است، سیدعبدالقدوس که به سمت سکرتر احمدضیامسعود معاون سابق رئیس جمهور کار می کرد، با چند تن ازمحافظان احمدضیا مسعود و شماری از اهالی زمانی به شهادت رسیدند که موتربم گذاری شده در کنار منزل احمدضیاء مسعود درحوالی ساعت ۹ صبح سه شنبه منفجر گردید.

منزل احمدضیا مسعود درحالی هدف این انفجار مهیب قرار می گیرد که او دیگر معاون رئیس جمهور نیست و این حادثه وقتی رخ داد که همه جاده ها منتهی به مرکز شهر به ویژه ساحات نزدیک به ریاست جمهوری ووزارت خارجه به دلیل برگزاری کنفرانس مبارزه با فساد اداری راه بندان و تحت تدابیر شدیدامنیتی قرار داشت. از جانب دیگر طالبان دست داشتن در این حادثه را انکار کرده و گفته می شود این حادثه حملهٔ انتحاری نبوده بلکه یک حادثه بمب گذاری بوده است.

اکنون این پرسش بیش می آید که آیا غیر از طالبان کسانی دیگر نیز می توانند درچنین حوادثی که جان شخصیت های سیاسی هدف قرار می گیرد دخالت داشته باشند؟

جمعیت اسلامی افغانستان درحالی که حادثه حمله تروریستی ٢٤ قوس وزیر اکبرخان و عاملان سفاک آن را شدیداً تقبیح می کند، آن را یک حادثه دارای ابهام و سوال برانگیز می داند و به علت این که ممکن است کسانی دیگری غیر از طالبان در پشت این حادثه قرار داشته باشند شدیداً اظهار نگرانی می کند.

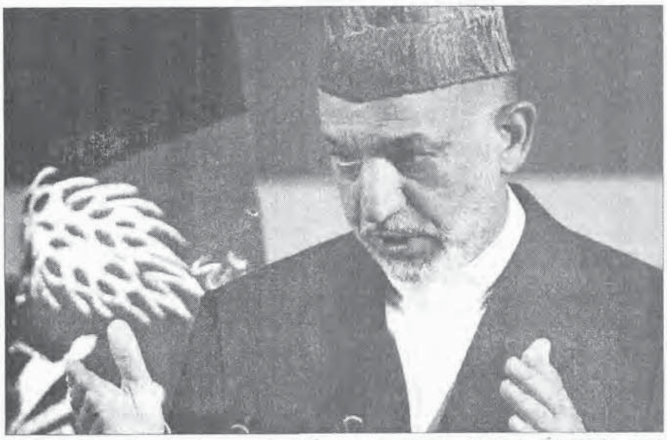
جمعیت اسلامی افغانستان از ریاست جمهوری و ارگان های امنیتی و کشفی کشور تقاضا دارد که اقدامات لازم را برای کشف این حادثه انجام دهند و عاملان اصلی آن را به پنجهٔ قانون بسپارد.

دارالانشای جمعیت اسلامی افغانستان

کابل/۲۵ قوس/۱۳۸۸

سخنرانی آقای کرزی در کنفرا نس ملی مبارزه با فساد

باعث سردرگمی در این کنفرانس شد



سه شنبه هفتهٔ گذشته کنفرانس ملی مبارزه با فساد درکابل دایر گردید. دراین کنفرانس که به مدت سه روز ادامه یافت وزرا، اعضای شورای ملی، مقامات قوهٔ قضائیه، نمایندگان رسانه ها وجامعه مدنی وهمچنان نمایندگان کشورهای خارجی شرکت نمودند. سخنرانی آقای کرزی در روز افتتاح کنفرانس که توسط رسانه های دیداری پخش گردید، مهمترین رویداد کنفرانس مذکور بود.

آقای کرزی درسخنرانی خویش به موارد زیادی اشاره کرد و برساده سازی اجراءات حکومتی جهت مبارزه با فساد تأکید نمود. آقای کرزی دراین سخنرانی از یک نگاه در نظرداشت تا پیشنهادات خویش را برای مبارزه با فساد به اشتراک کنندگان نشست ارائه نماید و از سوی دیگر تلاش کرد تا اتهامات علیه حکومت خویش را مبالغه آمیز ونا درست جلوه دهد وآن را رد کند. چون این دو موضوع تفاوت های تناقض آمیزی با هم دارند، سنخرانی آقای کرزی پراز تناقضات وناهمگونی ها ازآب درآمد و انتقاد های تندی را درپی آورد:

ادامه درص۲

چالش های تفتیش و بررسی در افغانستان ص۳

تهاجم قانونی غربی درکشورهای اسلامی ص۵

د کرزي دولت او د اداري فساد پر ضد د مبارزي غوغا ص۶

سفر براون به قندهار ص۵

ناظران اتحادیه اروپا:

بدون اصلاح کمیسیون مستقل انتخابات، افغانستان صلاحیت برگزاری هیچ انتخاباتی را ندارد

هیئت ناظر اتحادیهٔ اروپا پیشنهاد کرده است، باید سیستم انتخابات افغانستان اصلاح شود. ناظران اتحادیه اروپا طی نشستی که هفته گذشته برگزار شد اعلان نمود که دولت افغانستان تا زمانی که کمیسیون انتخابات را اصلاح نکند صلاحیت برگزاری هیچ انتخاباتی را ندارد.

رئیس هیئت ناظران اتحادیه اروپا آقای ویرمن گفته است، کمیسیون انتخابات افغانستان از کرزی حمایت می کند و فاقد استقلالیت می باشد. وی با اشاره بر این که مدیران این کمیسیون توسط رئیس جمهور انتخاب می شوند، پیشنهاد کرد مدیران کمیسیون باید انتخابی شوند و مراجع مختلف در تعیین آن ها نقش داشته باشند، وی افزود تا زمانی که این کمیشنران توسط رئیس جمهور انتخاب میشوند، کمیسیون فاقد استقلالیت بوده و امکان تقلب وجود دارد.

رئیس هیئت ناظران اروپا با انتقاد شدید از سیستم ثبت نام رأی دهندگان و توزیع کارت ها ی رای دهی گفته است وقتی میلیون ها کارت اضافی توزیع می شود، تعیین شمار رای دهندگان ممکن نبوده راه برای تقلب همواره می شود، اقای ویرمن اصلاح سیستم ثبت نام و توزیع کارت را برای شفافیت درا نتخابات ضروری خواند.

هیئت ناظران اروپا که در زمان برگزاری انتخابات ۲۹ اسد امسال نظارت داشتند با انتقاد شدید از تقلبات گسترده در آن، یک ونیم میلیون رأی را تقلبی علام کردند که بیش از یک میلیون آن متعلق به آقای کرزی بود، در آن زمان دولت افغانستان نتایج بررسی های ناظران اتحادیه اروپا را نپذیرفت، اما در نتیجه بررسی های بعدی توسط کمیسیون شکایات انتخاباتی، این برآوردها مورد تایید قرار گرفت.

رئیس هیئت ناظران اتحادیه اروپا گفت در نتیجه تقلبات گسترده انتخابات، مشروعیت دولت افغانستان شدید آسیب دیده است. وی اضافه کرد کسب مشروعیت مجدد مهمترین وظیفه دولت کنونی است.

دولت آقای کرزی که هیچ گونه انتقادی را علیه سیستم انتخاباتی نمی پذیرد، تا کنون موضع خویش را در برابر پیشنهادات هیئت ناظران اتحادیه اروپا اعلان نکرده است، اما گمان می رود، دولت علاقهٔ برای پذیرش پیشنهادات اصلاحی ندارد.

صاحب نظران اعتقاد دارند که بدون اصلاح این کمیسیون، برگزاری انتخابات پارلمانی در سال آینده با چالش های بزرگی روبرو خواهد شد و ممکن است مردم نتوانند نمایندگان واقعی خویش را به پارلمان بفرستند.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچۀ قصابی، دست چپه کوچۀ چهارم
شمارۀ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

حادثۀ تروریستی وزیر اکبر خان به نگرانی های جدی دامن زده است

حادثۀ تروریستی وزیر اکبرخان کابل که به تاریخ ٢٤ قوس ۱۳۸۸ به وقوع پیوست، شهادت حدود ده نفر از هموطنان را درپی داشت وبه زخمی شدن شمار زیاد مردم منجر گردید. این حادثه شمار دیگر از خانواده ها را درسوگ عزیزانشان نشاند وزنان وکودکان زیادی را بی سرپرست ویتیم ساخت.

حادثۀ تروریستی وزیر اکبر خان باعث نگرانی شدید درمیان مردم وگروه های سیاسی گردیده است.

نشانه ها وگمانه زنی های وجود دارد که حادثه انفجار وزیر اکبرخان با دیگر اقدامات تروریستی متفاوت است. گفته می شود این حمله یک حادثۀ انتحاری نبوده بر اثر انفجار یک موتر بم گذاری شده به میان آمده است. همچنان گروه طالبان که معمولاً چنین حملاتی به آن ها نسبت داده می شود، مسؤلیت این حادثه را رد کردند.

درآن روزی که این حادثه واقع شد، منطقۀ وزیر اکبر خان ومناطق نزدیک به آن به مناسبت برگزاری کنفرانس ملی مبارزه با فساد وشرکت رئیس جمهور در،ن شاهد تدابیر شدید امنیتی وحضور گستردۀ نیروها وما موران امنیتی بود وامکان انجام یک حملۀ تروریستی از سوی مخالفان مسلح را منتفی می ساخت.

این موضوع سوالات وابهاماتی زیادی را درپیوند با آن حادثه وعاملان وهدف های احتمالی آن ها به میان آورده است و یک بار دیگر نگرانی های شدیدی را در زمینۀ وضعیت امنیتی کشور وکار کرد وتوانمندی نیروهای امنیتی محصوصاً وزرات داخله در برقراری امنیت ایجاد کرد.

این حادثه ، ضرورت بازنگری در منابع ونیروهای غیر ازمخالفان مسلح را در زمینۀ ریشه یابی حملات تروریستی مطرح می کند.

درصورت اثبات منابع جدید اقدامات تروریستی، زنگ خطر بزرگی در مسئله امنیت وثبات نیم بند کشور به صدا در می آید.

چنین خطری حکومت ونظام سیاسی افغانستان را که با چالش های عدیده وبزرگی هم اکنون رو بروست، درموقعیت شکنندی قرار داده وبحران بی اعتمادی درمیان جریان ها وگروه های سیاسی مطرح کشور را عمیق تر می سازد.

ضرورت دانستن این حقیقت برای هیچ کس پوشیده نیست که ازبرهم خوردن امنیت کسی نمی تواند سودی بدست آورد. اگرکسانی باشند که فکر کنند با اقدامات نا سنجیده وناشیانه به هدف های خویش خواهند رسید، باید ملتفت باشندکه ازچنین حقیقتی غفلت نموده اند، چنین اقدامی می تواند خواب های آنان را وارونه سازد ودرآتشی که افروخته اند زمین گیر شوند.

امنیت در کشور محصول امید و دلگرمی است که از روزنه های کوچک بسوی مردم افغانستان و گروه های سیاسی می تابد و آیندۀ بهتر را برای آنها نوید میدهد. بستن این روزنه به مفهوم ایجاد یأس وتاریکی برای همه است.

دولت وارگان های امنیتی کشور باید دراین شرایط به منظور حفظ امنیت وثبات نیم بند، اقدامات عاجل و مؤثری را در جهت کشف این حادثه و عاملان آن روی دست گیرند و با سپردن مسببین به پنجه قانون، مردم افغانستان و گروه های سیاسی را درجریان اطلاعات مورد نظر قرار دهند.

سخنرانی آقای کرزی در کنفرا نس ملی مبارزه با فساد

باعث سردرگمی در این کنفرانس شد

احمدمهدی

کرزی ازیک سو خود را ناگزیر می دید به موجودیت فساد در ادارۀ خویش اعتراف نماید، چنانچه گفت، مقامات دولت بعد ازیک یا دوسال خدمت در دولت، پول های هنگفتی بدست می آورند ودرد بی خانه می خرند وتعطیلات خویش را در خارج می گذرانند، درحال که حتی رئیس جمهور نمی تواند با حقوق خویش درتعطیلات به خارج کشور سفر کند، چنانچه درگذشته هیچگاه مامورین ویا مقامات دولت نمی توانستند به چنین سرمایۀ دست پیدا کنند.

درعین حال آقای کرزی تلاش کرد تا ازتحمل مسؤلیت فساد شانه خالی کند وگناه را به گردن خارجیان بیندازد، او گزارش ها واخباری را که درغرب درمورد فساد دولت افغانستان به نشر می رسد دروغ وتبلیغات غربی ها خواند. وی خارجیان را متهم به ایجاد حکومت موازی نمود وگفت:" زمانی که حکومت ضعیف شد، مامورش از رئیس جمهور خود نترسید، ازرئیس شورا وسنای خود نترسید، ازمعاونین خود نترسید، از وزیران خود نترسید، معاشش را خارجی برایش داد ، موتر ضد گلوله اش را هم خارجی برایش داد، او سرما رای نمیزند و (پروای مارا ندارد)، او مرتکب فساد هم می شود."وی در ادامه صحبت خویش، خارجیان را متهم کرد که به هرکس قرار داد می دهند، مخصوصاً به آنانی که یا پاسپورت خارجی دارند، به گفتۀ وی این کار با عث فساد می شود.

مهمترین تناقض در سخنان کرزی در مورد شهردار کابل بود. وی در حالی که کارشهردار را توأم با نارسایی، غفلت وعدم کارائی دانست وگفت که ازصاحبی صدها شکایت دارم ازجمله این که سرک هار ا پاره پاره کرده است اما هیچ کاری انجام نداده است ، اما درعین حال گفت که، صاحبی آدم پاک نفس است ودیگر مقامات فاسد دولت او را تحت فشار قرار می دهند تا به آنها زمین بدهد.

تناقض در سخنرانی آقای کرزی، ناشی از نگرانی شدید وی درمورد فساد درحکومت تحت امرش می باشد، او که فکر می کند محکوم شدن وزرا ومقامات عالی رتبه ادعاهای گسترده ملی و بین المللی را که دولت اورا به عنوان یک ادارۀ فاسد وکثیف مطرح می کنند، به اثبات می رساند، بنابرین کرزی محکومیت همکاران خویش دلهره شدید دارد.

این امر باعث نا امیدی شدید مردم در ارادۀ دولت برای مبارزه بافساد گردیده است. صاحب نظران شرط اصلی موفقیت مبارزه با فساد را ارادۀ سیاسی می دانند که حکومت کرزی فاقد آن است.

تناقض دیگری که درسخنرانی آقای کرزی وجود داشت، تأکید بر ایجاد مصؤنیت برای شهروندان وعلاقمندی برای موجودیت ترس وهراس ازرئیس جمهور ومقامات دولت درمیان مردم بود.



کرزی درپیشنهادات خویش در رابطه با مسأله مبارزه با فساد به ایجاد فضای مصؤنیت برای شهروندان تأکید نمود وگفت که باید مردم دربرابر اقدامات پولیس، قاضی وسارنوال مصؤنیت داشته باشند ونباید پولیس ویاقاضی بتواند کس را بدون دلیل ازخانه اش بیرون کند وبروی آسیب برساند.

مترین تناقض در سخنان کرزی در مورد شهردار کابل بود. وی در حالی که کارشهردار را توأم با نارسایی، غفلت وعدم کارائی دانست وگفت که ازصاحبی صدها شکایت دارم ازجمله این که سرک هار ا پاره پاره کرده است اما هیچ کاری انجام نداده است ، اما درعین حال گفت که، صاحبی آدم پاک نفس است ودیگر مقامات فاسد دولت او را تحت فشار قرار می دهند تا به آنها زمین بدهد.

اما دراین سخنرانی رئیس جمهور شکایت کرد که کسانی هستند که ازرئیس جمهور ومعاونین وزراء وروٌسایی پارلمان ترس ندارند وفکر می کند خارجیان ازآنان حمایت می کند.

آقای کرزی درحالی که علیه مداخلات خارجی به مخالفت برخاست وبا عنوان کردن توزیع معاش ویا موتر به مامورین دولت افغانستان، توسط خارجیان آن ها را متهم به ایجاد حکومت موازی وتضعیف حکومت خویش نمود. درعین زمان، با خطاب آمرانه بر رئیس قوۀ قضائیه وسارنوال کشورجهت تجدید نظر در قضیه شهر دار وپاک خواندن وی عملاً استقلال قوۀ قضائیه کشور را تحت سوال برد، نفی استقلالیت قوۀ قضائیه که از گذشته هم ازناحیۀ وابستگی به حکومت مورد انتقاد شدید قرارداشت، به مفهوم تضعیف دولت افغانستان وفراهم شدن زمینه های بیشتر فساد می باشد.

موجودیت چنین تناقض آشکار درسخنرانی آقای کرزی، این نگرانی را بشدت تقویت می کند که رئیس جمهور افغانستان هنوز هم تلاش دارد بر واقعیت ها پرده افگند واز موجودیت فساد گسترده انکار نماید.

نادیده گرفتن فساد به هیچ صورت کمکی برای مبارزه با این پدیده شوم نمی کند، بلکه باعث ریشه دار ترشدن وتقویت بیشتر این بیماری سیاسی واجتماعی درکشور شده تمام فرصت ها را از دست مردم افغانستان می رباید.

دفاع ازشهردار که درسخنرانی آقای کرزی با برجستگی عنوان شد، باعث انتقاد های شدید در داخل کشور گردیده است. رئیس جمهور کسی را دریک کنفرانس بزرگ آدم بی گناه وپاک نفس خواند که به حکم قوۀ قضائیه کشور مجرم ثابت شده است. رئیس جمهور با یک خطاب آمرانه از رئیس قوۀ قضائیه وسارنوال کشور خواست تا درحکم علیه شهردار تجدید نظر کنند. وی اگر چه امر نکرد که جلسۀ تشکیل بدهند وشهر دار را پاک اعلان کنند، اما لحن سخنان آقای کرزی که به علت اصدار حکم علیه شهردار از نارضایتی شدید وی حکایت می کرد، مداخلۀ آشکار در کارهای قوۀ قضائیه تلقی شد.

تأثیر سخنان کرزی دو روز بعد درسخنان آقای فقیرزاده معاون سارنوال بازتاب یافت واو نیز سخنان رئیس جمهور را تأیید کرد وگفت که شهردار رشوه نگرفته است.

با این وصف سخنان آقای کرزی در مراسم گشایش کنفرانس ملی مبارزه بافساد بجای آن که راهکشا باشد و اهکارهای سازندۀ پیش روی اشتراک کنندگان بگذارد، با پیام های تناقض آمیز باعث ایجاد سردرگمی های بیشتر این کنفرانس شد وامید این که این کنفرانس بتواند دست آورد مطلوبی داشته باشد و طرحی جامع را برای حکومت در کار مبارزه با فساد ارائه نماید به یأس مبدل شد.

چالش های تفتیش و بررسی در افغانستان



احسان نکته دان

قسمت اول

تفتیش وبررسی در افغانستان عمر طولانی دارد که حتی بعضی آن را از زمانه های امان الله خان به این سو می دانند ویا بیشتر از آن که در این دوره تفتیش وبررسی فراز ونشیب های زیادی را طی نموده است. زمانی توسط بعضی زمامداران منحل شده است وزمانی هم دست نوازش به سر وگردن آن کشیده شده و دوباره آن را زنده ساخته اند. وزمانی هم عناوین آن را تغییر داده اند واحیانا از یک اداره به اداره دیگر انتقال یافته است. گاهی تحت عنوان دیوان محاسبات یاد شده است وگاهی هم به عنوان تفتیش داخلی ویا اداره کنترل و تفتیش تحت قیمومیت شورای وزیران. با این حال حرفه تفتیش وبررسی تا اکنون به حیات خود ادامه داده است. ودرحال حاضر به نسبت حضور جامعه جهانی در کشور وهمکاری آنها در عرصه های مختلف تنها ریاست عمومی تفتیش داخلی وزارت مالیه که جدیدا تغییر نام نموده به نام ریاست عمومی تفتیش، بررسی وارزیابی یاد می شود توانسته است کارمندان بیشتری را جذب نماید وآنها را آموزش های مسلکی تفتیش بدهد. وهمچنان قابل ذکر است که بعد از حضور یابی نیرو های غربی وجامعه جهانی در کشور به تعداد واحد های تفتیش داخلی در ادارات افزایش قابل ملاحظه ای نیز به وجود آمده است که قبل برین تعداد محدودی از این حرفه در ادارات دولتی وجود داشت وتا رقم زدن این سطور – تا آنجا که نگارنده معلومات دارد – این حرفه به سطح سکتور خصوصی عرض وجود نکرده است.

در این مقاله سعی به عمل آمده است تا در بند الف آن به طور فشرده بر چالش های حرفه تفتیش وبررسی که از درون یا داخل حرفه ومسایل آن ناشی می شود نظر افگنده شود. هر چند که برخی از دسته بندی های ما می توانند چالش های محیط بیرونی نیز تلقی شود؛ اما مطالعه کامل بند الف با بند ب شاید کمی نگرش های شکل گرفته در نگاه اول را تعدیل کند. به هر صورت، اذعان داریم که این مقاله مشقی بیش نیست که صرفا در جهت مکتوب کردن اذهان تهیه وتنظیم شده است. ورنه احتمال آن می رود که بعضی چالش ها در ذهن نگارنده این مضمون خطور نکرده باشد ویا مشمول چالش های فراگیری دیگری که اهم است نباشد. مکرر اینکه حرفه تفتیش یا حسابرسی به شکل خصوصی آن کمتر مروج بوده تا رقم زدن این سطور به نظر نمی رسد واگر وجود هم داشته باشد شهرت چندانی کسب نکرده است. وبنده صرف چالش های این حرفه را در ادارات دولتی بررسی خواهد نمود.

الف – چالش های درونی یا داخلی

۱- چالش قوانین ومقررات نافذه

یکی از چالش های اساسی مفتشان در بررسی وتفتیش یا در تفتیش صورت های مالی رسیدگی قوانین ومقررات وطرز العمل های حاکم بر عملیات مالی وسایر امور واحد مورد رسیدگی است. به گونه ای که از انطباق رویه ها ومقررات به کار گرفته شده با آنچه که در صورت های مالی ارایه شده است اطمینان حاصل شود. وجود قوانین ومقررات وطرز العمل های مختلف در طول دوره های زمانی بلند مدت وکوتاه مدت موجبات پیچیدگی رسیدگی به صورت های مالی واحد های بررسی شونده می شود. واز طرف دیگر اینکه قوانین نوینی که در عرصه های مختلف (بعد از آمدن اجنبی ها و قبل از آن) تدوین یافته است ودر معرض اجراء قرار دارد از یک طرف احتمالا قسمت بیشتر آن ویا اگر مبالغه نکرده باشیم به صورت مجموع از قوانین کشور های دیگری، عمدتا از قوانین کشور های انکشاف یافته؛ مأخوذ باشد و از طرف اشخاص غیر مسلکی وفاقد تجارب لازم برای ترجمه به زبان دری بر گردانیده شده است که این نه تنها مشکلات وچالش های فراوانی را برای مفتشان ایجاد نموده است؛ بلکه برای سایر مجریان این قوانین بوجود آورده است.

به هر حال مفتشان هم توانائی هایی خارج از محدودیت های انسانی خود، نمی توانند داشته باشند ولذا خواستن اینکه آنها به کلیه قوانین اشراف داشته باشند خواسته غیر معقول است. از یک طرف قوانین همیشه در معرض تعدیل وتحول واز طرف دیگر گستردگی ابعاد قوانین ومقررات. لذا همواره این خطر وجود دارد که مفتشان قوانین را تفسیر نادرست کنند ویا تأثیر آن را در گزارش خویش نادیده گرفته باشند. برخی ممکن است این را به عنوان مشکل بیرونی تفتیش قلمداد کنند؛ اما از این منظر که در زمان اجرا کارمندان تفتیش یا کاملا به قوانین اشراف ندارند ویا اینکه آموزش های کافی در این خصوص ندیده اند باعث ایجاد مشکلات در راستای تفتیش وبررسی برای مفتشان وبازرسان می شود.

۲- چالش نیروی بشری ونظام مدیریت منابع بشری

یکی از مشکلات تفتیش، بحث معاش وحقوق پایین نیرو های کار در واحد های تفتیش وبررسی است. به گونه ای که بیشتر نیروی این حرفه پس از چند سال کسب تجربه احساس می کنند که تلاش وکوشش آنها به تناسب از لحاظ مالی جبران نمی شود وهمچنان مشاهده می کنند که حقوق کارمندان دیگر ادارات بویژه ادارات کلیدی چون اداره های عایداتی ومدیریتی به مراتب بالا تر از حقوق ایشان است . در ضمن، ممکن است از راه های نامشروع عواید بیشتر دیگری نیز داشته باشند. لذا از حرفه تفتیش وبررسی به سوی مشاغل دیگری چون مشاغل حسابداری ومدیریت مالی فرار نموده نقل مکان می نمایند. به گونه ای که اختلاف حقوقی بعد وقبل از ترک حرفه تفتیش به صد در صد یا بیشتر نیز می رسد. وبعد از مدت کوتاهی به مشاهده می رسد که سطح زندگی اش به مراتب بهبود یافته است. روی این ملحوظ به مشاهده می رسد که کمتر کارمندان تفتیش به جاهای خود برای یک دوره بلند مدت باقی می مانند. وواحد تفتیش وادار می شود تا جهت پر نمودن این خلا کارمندان جدیدی را جلب نماید که این خود نیاز به آموزش های مسلکی داشته اداره مکلف است تا ضمن کارمندان مجرب آنها را در ترکیب هیأت های بررسی به مراجع وواحد بررسی شونده اعزام بدارد تا بتوانند در آینده مفتشان مسلکی وکار فهم به بار آیند.

۳- چالش کیفیت تفتیش وبررسی

این موضوع که مفتشان از دانش وتجارب متفاوتی نسبت به همکاران حرفه ای دیگر خود برخوردارند چیز عجیبی نیست. در دنیا نیز برخی از واحد ها وموسسات تفتیش صرفا در ارایه خدمات تفتیش وبررسی به صنایع ویژه ای متبحر شده اند وآموزش های لازم در این خصوص را در برنامه کاری خود دارند. اما موضوع آن در افغانستان متفاوت از دیگر مکانهاست چرا که مفتشان در این خطه در همه نوع تفتیش وبررسی خبره نیستند. منشأ این مشکل به نظر نگارنده نداشتن موسسات تحصیلی محاسبه(ACCOUNTING)وتفتیش(AUDITING) است که در کشور همچو موسسه معتبر وجود ندارد تا جوانان در آن دانش های مسلکی بیاموزند وبا علم حسابداری وتفتیش خود را آشنا سازند. ووضعیت آموزش حرفه ای مستمر نیز در حرفه به طور منسجم شکل نگرفته ودر غیاب عدم ارتباط فکری وگروهی منسجم در شرایط موجود مشکلات سطح کیفیت حاد تر می شود.

آموزش های کوتاه مدتی که از طرف بعض ادارات بین المللی به کارمندان واحد های تفتیش داده می شود به نسبت عدم ابعاد گسترده تر آن چندان در حل این مشکل ممد واقع نمی شود. این چالش صرفا به موضوع نبود چارچوب ودستور العمل جامع ومناسب در خصوص نیاز های رو به افزایش واحد های تفتیش محدود نمی شود؛ بلکه مسایل مالی وهزینه ومنفعت در اجرای برنامه ها ودستور العمل های موجود نیز سد راه واحد های تفتیش برای ارتقای سطح کیفیت شده است.

٤- چالش آموزش وفراگیری اندک

از جمله مواردی که در کاهش کیفیت دوسیه های تفتیش وعمل کرد آن و در نهایت کاهش تأثیر گذاری استاندارد های تفتیش بر ارایه گزارش وروش مفتشان موثرند بحث آموزش وفراگیری ناچیز با توجه به تحولات حرفه ونیاز های فزاینده واحد به خدمات متنوع اعتبار دهی است؛ زیرا جامعه ما که فعلا متکی به مساعدت های جامعه جهانی است مکلف اند تا از این طریق اعتماد آنها را کسب نموده ثابت سازند که تمام امور مالی مان به صورت موثر و به جا به مصرف رسیده حیف ومیل اشخاص فرصت طلب نمی شود. هر چند که این موضوع اخیرا با شدت بیشتری توسط کشور های مساعدت کننده دنبال می شود وکوشش به خرج داده می شود تا این واحد های تفتیش را هر چه بیشتر منسجم سازد ومشکلات موجود را از سر راه آنها بردارد وزمینه های آموزش مسلکی را برای آنها مساعد سازد.

ادامه دارد

به مناسبت روز جهانی مهاجرت:

مهاجرت ودشواری های آن

فقیری

درتاریخ بشر پدیدهٔ مهاجرت همواره به اشکال وانواع مختلف وجود داشته است.مهاجرت ها انگیزه ها وعوامل گوناگونی داشته اندکه به برخی ازآنها اشاره می شود

۱- اقتصادی: اکثر کوچ ها ومهاجرت ها دارای انگیزهٔ اقتصادی بوده است، مردمان یک منطقه به دلیل نبود امکانات لازم زندگی ازقبیل آب، زمین، وچراگاه و... مجبور گر دیده اند به منطقهٔ دیگر بروند ودرآن جا خانه بسازند ویا خیمه بر پا دارند. در دوران معاصر نیز افراد ویا خانواده ها به دلیل نبود کار وتنگی معیشت، به شهر وحتی کشورهای دیگر می روند تا ازلحاظ اقتصادی ازمشکلات رهای یابند.

۲- سیاسی: دراثر حاکمیت نظام ها وافراد مستبد که هرگز مخالفان سیاسی را تحمل کرده نمی توانند وبا به قدرت رسیدن درپی کشتار وزندانی ساختن رقبا ومخالفان سیاسی خویش اند، مخالفان نظام ازترس شکنجه وزندان واعدام ویا برای آمادگی برای مبارزه علیه آن نظام، مجبور به ترک کشور می شوند ودرصورت امکان، خانواده های خود را نیز با خود می برند ویا بعداً خانواده ها به آنان ملحق می شوند.

هرگاه این مهاجرت ها به درازا بکشد؛ یکی ازپیامد های منفی آن، تولد فرزندان ونشو نمای آنان وحتی فرزندان دیگر درمحیط های دیگران است که قاعدتاً تحت تأثیر فرهنگی آن محیط ها قرارمی گیرند واندک اندک ازاعتقادات دینی، فرهنگ ملی وزنان های اصلی بیگانه می شوند.

درست است که ازلحاظ اقتصادی وداشتن امکانات رفاهی، وضع این مردم درمقایسه با کشور خودشان به مراتب بالا می باشد وچیزهای زیادی را بدست می آورند ولی درکنار آن چیزهای مهمی را ازدست نیز مید هند.

آنچه گفته شد، بیشتربه حضور صدها هزار افغان مهاجر درکشورهای غربی است ورنه بسیاری اتفاق افتاده است که افراد وخانواده های دارای زندگی بهتر درحالت مهاجر با مشکلات فروانی مواجه شوند وسختی ها ودشواری های زیادی فرا راه خود داشته باشند.

وضع اکثریت مهاجرین افغان درکمپ های پاکستان طی سال های جهاد، نمونه ها مثال های روشن این واقعیت است.

یکی ازپیامدهای منفی این گونه مهاجرت ها سخن گفتیم ولی درصورت برگشت همچو افراد وخانواده ها – درصورت بهترشدن وضع سیاسی وامنیتی – احتمال زیاد وجود دارد که افراد متخصص وآموزش دیده به کشور برگردند ومصدر خدمت شوند. حتی افراد عادی وبیسواد وکمسواد که به کشورهای همسایه رفته بودند وپس از گذشت سال ها دوباره به کشورخویش برگشته اند، با دستان پرآمده اند.

این تنها به معنای آوردن پول نیست، بلکه دست آورد وره آورد هایی در زمینه های مهارت ها و تخصص ها می گرددکه امروز شاهد آن در شهرها وگوشه وکنار کشور هستیم.

صدها وهزاران افغانی برگشته از ایران وپاکستان، درساحات مختلف مشغول خدمت اند که در نتیجهٔ سال ها اقامت درآن دیارها با فنون وحرفه های گوناگون آشنا شده وامروز اندوخته ها دیروزی را در وطن خویش به کار می گیرند.

تا این جا سخن ازمهاجرت ومهاجرانی بود که درکشورهای مختلف به سر می برند، این ها یا به حیث مهاجر پذیرفته شده اند ویاهم کارت های را دریافت نموده اند که اجازهٔ اقامت مؤقت به آنان می دهد.

تعدادی دیگری ازمهاجران هموطن ما درشرایط بسیار سخت ودشواروبعضاًدرحالت بلا تکلیفی در کشورها ودر زندان های آن کشور ها بسرمی برند ویا در راه رسیدن به کشورهای مشخص اروپایی ویا استرالیا ازطریق غیرقانونی در تلاش اند ودر آب ها وخشکه های روی زمین سرگردان!

درکشورهای همسایه ومسلمان وضع مهاجرین اصلاً با کشورهای امریکا، اروپا واسترالیا قابل مقایسه نیست! ستمی که توسط این برادران مسلمان وهمجوار به هموطنان ما صورت می گیرد، همگان کم وبیش ازآن آگاهی دارند. فقط نداشتن اسناد معتبر برای اذیت وآزار وشکنجهٔ آنان یک بهانه نیست، بلکه کسانی مشمول این اذیت و آزار می شوند که کارت های معتبر صادر شده از ادارات خود این کشورها را بدست دارند ویا با پاسپورت های افغانی و ویزه های آن کشورها مسافرت کرده اند واصلاً مهاجر نیز نمی باشند!

بحثی پیرامون مثنوی مولانا جلال الدین محمدبلخی

دکتور شمس الحق آریانفر

قسمت اول

مثنوی مولانا جلال الدین محمدبلخی ،بادرنظرداشت کثرت ترجمه ، شرح وتفسیر وتوجه همگانی ،امروز ارجمند ترین کتاب شعری وعرفانی جهان است.

تنوع وگرانباری اندیشه و ارایه نردبان عشق دررسیدن به حقیقت ومعشوق،اگرانگیزه های پذیریش مثنوی ، نزدبشریت دنیازده وبه بن بست رسیده باشد؛دنیای اسلام، حوزهٔ تمدنی مثنوی وبه ویژه همتباران مولانا،درکنار این عامل ها،پیوند گسست ناپذیر و یگانگی مثنوی راباومن به خویش ،قرآن کریم ،مدنظر داشته اند.

مولانا عبدالرحمن جامی، عالم بزرگ وخاتم الشعرا ،اندکی بعداز مولانا، شخصیت وآثار اورا چنین ارزیابی می نماید.

من چه گویم وصف آن عالی جناب
نیست پیغمبر ولی دارد کتاب
مثنوی معنوی مولوی
هست قرآن درزبان پهلوی

وشیخ بهایی آملی گفته است:

من نمی گویم که آن عالی جناب
هست پیغمبر، ولی دارد کتاب
مثنوی او چو قرآن مدل
هادی بعضی وبعضی مذل

درپیوند بااین آفریده هاست که محمداکبر آبادی درشرح خود برمثنوی در ۱۱۴۰/ ۱۷۲۸ ،می نویسد :

مولانا جامی، مثنوی را قرآن درزبان فارسی خوانده است . (۱)

دانشمند معاصرامریکایی فرانکلین دین لوئیس، می نویسد:

این (ابیات) خواه از او (جامی) باشدخواه ازشیخ بهایی درصفحهٔ عنوان بسیاری ازمثنوی ها یی چاپ قرن ۱۹ نقل شده است.(۲)

چراآن دانشمندان به چنین باوری رسیدند وچرا تاامروز همگان ، مثنوی رابه گونه قرآن عجم یا فران پهلوی می پذیرند؟ عوامل وانگیزه ها رابرمی شماریم.

مقام مثنوی ازدیدگاه مولانا

مولاناجلال الدین،ازآغاز آفرینش مثنوی ، مقام وارجمندی کارخویش رامی دانست. ازهمینجاست که در دیباچهٔ عربی مثنوی، آنرا اصول اصول اصول دین می خواند .«هذا کتاب المثنوی المعنوی وهو اصول اصول اصول الدین ، فی کشف اسرار الوصول والیقین» (۳)

مولانا مثنوی رابه چشم کتاب الهامی ومقدس می نگرست وطعن درآن راچون طعن بر قرآن می دانست. دردانشنامه می خوانیم:

دردیباچهٔ عربی دفتراول ، مولانا کتاب خویش را برتر ازکلام عادی می انگارد. درواقع تشبیه خودش به نی خالی، که دراومی دمند ،ازاین روست که وجود اوبازگویندهٔ کلام آن کس است که دروی می دمد. بدین ترتیب مولانا مثنوی راگویی انعکاس خطاب الهی وازجنس وحی دل می داند.(۴)

گویند: روزی مولانا به اتاق یکی ازدوستانش رفت. دیدکه کتاب مثنوی راپشت سرخود انداخته وبه آن تکیه داده است. خشمگین شد وگفت:

این کتاب ،کتابی نیست که پشت سربگذارند وبه آن تکیه دهند. کتاب ماجهانگیر خواهدشد...(۵)

همانگونه که عبدالکریم سروش می گوید:

مولوی هم سخن نیکو می گفت و هم به نیکو بودن وعمق گفتار خود واقف بود.(۶)

آنچه گفته آمدیم به استناد سخن وبیان ، مولانا مسجل گردیده است . سروده های مولانا برهان مدعای ماست:

سروده ها وسخن وبیان حضرت مولانا درمثنوی برهان این مدعاست که به روشنی باور مولانا را درارجمندی مثنوی،مسجل می سازد.

نردبان آسمان است این کلام
هرکه زین برمی رود آید به بام
نی به بام چرخ کان اخضر بود
بل به بامی کز فلک برتربود(۷)

یا:

گرشدی عطشان بحرمعنوی
فرجه یی کن درجزیره مثنوی
فرجه کن چندان که اندرهرنفس
مثنوی رامعنوی بینی وبس (۸)

یا:

مثنوی مادکان وحدتست
رحمت اندر رحمت اندر رحمتست
غیرواحد هرچه آن بینی اندراین
بی گمانی جمله را بت دان یقی (۹)

یا :

گرشود بیشه قلم دریا مدید
مثنوی رانیست پایانی پدید (۱۰)
وحدت اندر وحدت است این مثنوی
ازسمک رو تاسماک ای معنوی (۱۱)

مثنوی عصارهٔ فرهنگ اسلامی

دانشیان به این باوراندکه مثنوی معنوی ، عصاره ولب ولباب اسلام وفرهنگ اسلامی است.

تاآنجاکه جلال الدین همایی می گوید:

اگرتمام آثاربازمانده زبان فارسی نابود شود وتنها مثنوی وشاهنامه باقی بماند، بازهم ازغنایی فرهنگی خویش چیزی رازدست نداده ایم.

درنامهٔ آمده است:

(مثنوی را)« می توان به نوعی دایره المعارف تجارب عرفانی صوفیه درتمامی دوره هادانست وبه حق می توان گفت که درهیچ مجموعه این مقدار قرآن و تفسیر آن،حدیث ،عرفان ،تعلیم، موعظه،داستان ،تجارب روحانی وعشقی وشرح احوال وداستان پیمبران وبزرگان اهل طریق یکجا ودرکنار هم دیدنشده است.»(۱۲)

دانشمندان دیگرمعتقداست :

« پایگاه مثنوی بربنیاد فرهنگ اسلامی است معانی برالفاظ حکومت می کند.»(۱۳)

جلال الدین همایی می گوید:

« مثنوی خلاصه وچکیده جمیع علوم وآداب ومعارف اسلامی است.»(۱۴)

سید حسین نصر، مثنوی را چراغ آسمان عالم معنی ونردبان بام هستی می خواند:

«الحق که سخن این مقسربزرگ عالم غیب وشاهد عشقی که هم افلاطون است وهم جالینوس ، هم طبیب روح وعقل است وهم روان وجان راهی است برای نجات ازورطهٔ هلاک ونیستی وچراغی است به سوی آسمان نامنتهای عالم درون ونردبانی برای صعود به پشت بام جهان هستی.(۱۵)

ادامه دارد

کلیله و دمنه و نقش آن در ادبیات عرب و جهان

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

سرزمین خراسان حلقه وصلی است، میان ادبیات، هندی وعربی، کتاب کلیله و دمنه که در در بار امراء وملوک خاور زمین به ویژه عباسی ها، بنام کتاب خزائن حکمت شهرت یافته است.

دراین کتاب پند و اندرز حکمت، مفاهیم اخلاقی، شیوه های همزیستی، به صورت قصه های به هم پیوسته به زبان حیوانات بیان شده است.

در ادبیات غرب یکنوع حکایات تمثیلی هم اکنون وجود دارد که بنام fable یاد می شود. دکترسیروس شمیسا در کتاب انواع ادبی، معمول ترین فابل را فابل حیوانات می داند، دراین حکایات جانواران مانند انسان ها عمل می کنند، سخن میگویند، با هم مقابله می کنند، و به داوری درمیان هم می پردازند. قدیمی ترین نمونه های این گونه حکایات به زبان حیوانات را منسوب به ازوپ دانسته اند که خود برده بوده و در قرن ششم قبل از میلاد در یونان میزیسته است، اما کلیله و دمنه عالی ترین فابل در ادبیات هند به نام "پنجتنترا" به وجود آمده است. این کتاب راه خود را در ادبیات جهان باز نموده و بیشترین نویسندگان دنیا از حکایات انسانی و اخلاقی این کتاب درنوشته های اساطیری خود سود جسته اند.

منبع اصلی این کتاب در سانسکریت "پنجتنترا" یعنی (پنج دریا یا پنج کتاب) و یامها بهاراته می دانند.

درقرن ششم قبل از میلاد برزویه (بزرجمهر) طبیب دو نسخه از این کتاب را بدست آورد که هر دو به زبان سانسکریت نوشته شده بود و پس از افزایش قصص دیگر برآن این کتاب را بعد از ترجمه از سانسکریت به زبان پهلوی به انوشروان تقدیم داشت.

در حقیقت ترجمه این کتاب از سانسکریت به زبان پهلوی راه را به سوی ادبیات و فرهنگ جهانی بازکرد، قهرمان این حکایات را دو حیوان از جنس بوزینه تشکیل می دهد که به قول ملک الشعرا بهار در پهلوی به نام کلیلک و دنیک ترجمه شده است، اما در زبان فارسی که گاف های اواخر کلمات به هاء غیر ملفوظ تبدیل شده و شکل "کلیله و دمنه" را به خود گرفته است، مثل کندک پهلوی که به شکل کنده و بعداً شکل خندق را به خود گرفته است.

بسیاری از دانشمندان به این باورند که مولف اصلی این کتاب همان بیدباحکیم، و فیلسوف هندی می باشد. کلیله و دمنه در درازای تاریخ همواره مورد توجه سلاطین، امراء وملوک قرار گرفته است.

امروز کتاب کلیله و دمنه به یک کتاب جهانی تبدیل شده است و شاید کمترین کتابی به این پیمانه راه به سوی ادبیات جهان، فرهنگ ها و زبان های مختلف باز نموده باشد. دکترغلام حسین یوسفی، کلیله ودمنه را ازجمله منت ها دانسته است که هند بر فرهنگ و تمدن جهان دارد.

عبدالله بن مقفع که برای نخستین بار منطق ارسطو و حکمت یونان را از پهلوی به عربی نمود و در نثرعربی چنان تحول برزگی را به وجود آورد که او را صاحب سبک خاص در نثر عربی خوانده اند. ابن مقفع در پهلوی این همه کارهای بزرگ علمی کتاب کلیله و دمنه را از پهلوی به زبان عربی ترجمه نمود. براساس ترجمه ابن مقفع ابان بن عبدالحمید لاحقی، برای نخستین بار این کتاب را به نظم عربی کشید و به هارون الرشید تقدیم کرد که درعوض از هارون الرشید یکصدهزار درهم بدست آورد.

برای نخستین بار آدم الشعرا (رودکی) کتاب کلیله و دمنه را در سال ۳۲۰ هـ به فارسی دری به نظم در آورد که فردوسی به آن اشاره نموده است. گفته می شود که رودکی این کار را در نتیجهٔ تشویق ابولفضل محمدبلعمی

ادامه درص ۷

نامه وارده

درشماره سی وهفتم، ۲۱ قوس ۱۳۸۸ مطلبی تحت عنوان "تاثیر زبان و ادبیات فارسی بر زبان وادبیات عربی" درهفته نامه مجاهد که به نام یاسین فرخاری به چاپ رسیده بود توجه ام را جلب کرد، با خواندن این نوشته ناگهان به یاد مقالهٔ دیگر افتیدم که چندی پیش با همین عنوان در یک شماره سابق مجله عرفان خوانده بودم، از روی وسواس دوباره مجله را ورق زدم، شماره ۱۱ و ۱۲ سال ۱۳٦٤ (دلو- حوت) ۱۳٦٥ بود که مقاله مذکور در آن به نام استاد عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل چاپ شده بود. وقتی این مقاله را خواندم، تنها توانستم چند کلمه وجمله محدودی را بیابم که با مقاله نشرشده با همین عنوان اما به نام آقای یاسین فرخاری تفاوت داشت هم تفاوت داشتند. من دچار حیرت شدم که کدام یک اصلی و دیگر نقلی است. اما چون مجله عرفان ۲۳ سال پیش به چاپ رسیده بود دریافتم که آقای یاسین فرخاری این مقاله آقای کوهی را بدون کم وکاست نقل کرده است.

محمدهارون استاد دانشگاه البیرونی

توضیح هفته نامهٔ مجاهد

ما مقالهٔ "تاثیر زبان و ادبیات فارسی دری بر زبان و ادبیات عربی" را از مجلهٔ راه نیستان که به کوشش نویسندهٔ گرامی کشورمان آقای ملک زاد به نشر می رسد، بدست آوردیم و نشر کردیم، مقاله مذکور در آن مجله به نام آقای یاسین فرخاری به نشر رسیده است. با این ادعا از نشر ادامه مطلب صرف نظر کردیم درصورتی که آقای فرخاری این ادعا را درست نمی دانند کنند، می توانند نظر خویش را به این هفته نامه بفرستند.

تهاجم قانونی غربی در کشورهای اسلامی

سیدعنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل / بخش دوم

مفهوم تهاجم قانونی: ملت ها در درازای تاریخ خویش تلاش به خرج می دهند که از طریق وسایل مختلف دست داشته های شان چون سلاح و مال وفکر بر دیگران سیطره خود را برقرار کرده تا جنگ را به نفع خویش کمایی نمایند.

از چنین عملیه بنام تهاجم یاد میشود

مفهوم تهاجم در قاموس های لغت همانا حرکت به سوی دشمن وجنگ با او در سرزمینش به منظور بدست آوردن و غارت کردن سرمایه های آن بوده که مفید معنی تهاجم نظامی می باشد. و معنی حقیقی کلمه تهاجم که درعربی از آن به "غزو" تعبیر میشود همین است و بس.

اما "تهاجم" در قاموس جامعه شناسی گرچه به همین معنی لغوی بر می گردد، ولی استعمال و کاربرد آن همه معانی حقیقی ومجازی و مادی و معنوی آن را شامل بوده همان گونه که شامل تهاجم نظامی است، شامل تهاجم های اقتصادی، فرهنگی، درهمه اشکال می باشد.

بنابه آنچه گفته شد معنا و مفهوم اصطلاحی تهاجم عبارت است از: "حرکت یک مجموعه نژادی یا فرهنگی به سوی گروه دیگری که مربوط منطقه دیگری می باشد ویا "دخول پروژه های تجارتی به منطقه سکونتی معینی است"

برخی مفهوم تهاجم را به گونه عام تصویر نموده اند تا شامل هر عملیه و تلاشی شود که انسان برای بهبود وضع خود وانکشاف توانایی هایش با اشغال مکان جدید و یا تسلط بر آن، انجام میدهد.

داخل شدن زن در عرصه های کار ورقابت او با مرد در احراز موقعیت های جدید که در احتکار مرد قرارداشت، همه در دائره این مفهوم شامل است.

بنا براین کالبدشگافی که از کلمه تهاجم به گونه عام، صورت پذیرفت پس تهاجم چه مفهومی را افاده می کند؟

اصطلاح تهاجم قانونی، درادبیات فرهنگی و فکری آنقدر مشهور نبوده و درزیر چتر اصطلاح فراخ تراز آن که همان تهاجم فرهنگی است قرار دارد، زیرا قانون مظهر ونمادی از نمادهای فرهنگ ملت و فکر و اندیشه آن بوده و تهاجم فرهنگی طوری که برخی از اندیشمندان مسلمان ازآن تعریف نموده اند، عبارت است از" هر مفکوره و برنامه و روشی است که هدف آن صراحتا و یا ضمنا درهم کوبی اساسات عقیدتی، فکری، فرهنگی، و تمدنی امت اسلامی و یا تلاش است که درآن ها تشکیک ایجاد کرده و از قیمت وارزش آن ها می کاهد و یا مفکوره دیگری را بر آن ها برتری دهد و با جاگزین کردن آن ها در قانون، برنامه های تعلیمی، مطبوعاتی، ادبی، هنری، و نحوه نظرآنان را نسبت به دین، انسان و زندگی تغییردهد.

این تعریف از تهاجم فرهنگی، مفید این معنی است که تهاجم فرهنگی عملیه جاگزین سازی افکار و برنامه ها، باورها ومعتقدات ملتی است درجای افکار و ... ملت دیگر به منظور درهم کوبی هویت آن ملت و تسلط برآن.

با درک آنچه گفته شد و براساس این که قانون عبارت است، از "مجموعه اساسات و قواعد ملزمه واحکام و عنعنات معمول دریک جامعه"

پس معنی تهاجم قانونی عبارت است از "عملیه جاگزین سازی قواعد و قوانین ملزمه واحکام و تقالید معمول در یک جامعه و در محلی غیر از محل خود او"

و اما در پیوند به اسلام و قوانین غربی پس تهاجم قانونی غربی درکشورهای اسلامی همان عملیه جاگزین سازی قواعد و قوانین و احکام وتقالید معمول در دولت های غربی و تطبیق آن ها در کشورهای اسلامی به جای شریعت اسلامی می باشد."

بخش اول
اسباب تهاجم قانونی

سلطه تمدنی و فرهنگی ملتی برملت دیگر یک مسأله تصادفی و اتفاقی نبوده بلکه این امر خود زاده عوامل ذاتی و عینی است در دائره "استعداد و قابلیت"

یعنی استعداد و آمادگی بر پذیرش سلطه و قابلیت برای کرنش و تسلیم.

اگر قانون مائعات را از علوم طبیعی مورد استفاده قرار دهیم که حکم به حتمیت حرکت مائع از بالا به پائین است می توانیم این حقیقت را در مورد روابط بشری که از سپیده دم تاریخ محکوم قانون "قوت وغلبه" بوده عمومیت بخشیم که حوادث تاریخی و واقعیت ها بهترین گواه برای ثبات مدعای فوق می باشد.

بنا براین سلطه قوانین غربی وتطبیق آن درکشورهای اسلامی به حیث یک نمونه پاسخ نیازهای جامعه اسلامی و تعبیر از اراده آن نبوده به پیمانهٔ که تعبیراز نیازمندی ها قدرت استعماری و خواست آن در تسلط برکشورهای اسلامی و تحقق منافع آن است

ادامه دارد

د دوه ګونو تابعیت لرونکو په هکله، د ولسي جرګې پریکړه د ولس د زړه اواز مه پریږدئ چې بریف کیس ساتونکي وزیران شي!

شفیق

پداسې حال کې چې د لیتدی د میاشتي په اوه ویشتمه نیټه په هیواد کې د بن د پریکړي وروسته د راغلي نظام تر سیوري لاندې د پارلمان په پرانستنه څلور کلونه پوره کیږي، د هیواد ولسي جرګې یوه زړه راښکونکې او د ولس د زړه آواز پریکړه وکړه، او هغه داچې دوې به د ولسمشر کرزي لخوا هغو نومول شوو وزیرانو ته د باور رایو اخستلو په منظور صندوقونه کښېنږدي چې د دوه ګونو تابعیتونو لرونکي دي.

د هیواد د اساسي قانون د جرګې پر مهال هم دغه مساله یوه له هغو مهمو مسالو څخه وه چې د پردیو په اشاره پرې ډیر وکیلان وښوئیدل او د ځینو حلقو د فشار په نتیجه کې په اساسي قانون کې پدې هکله راغلې ماده په داسي عبارت تصویب شوه چې په هغه مهال کې یې برحال وزیرانو ته اجازت ورکړ او بیاوروسته اوسنی ولسي جرګه پدې هکله وښوئېده او دې اوسنیو (برحالو) وزیرانو ته یې پدې وعدې اخستنې سره د باور رایه ورکړه چې د دوو میاشتو په تیریدوسره به دوې خپل بهرني تابعتونه له لاسه ورکوي خو د "دبریف کیس ساتونکو" وزیرانو لخوا ولسي جرګې سره شوې وعده ماته شوه او داخل زمونږ مقننه ادارې ته الله تعالي توفیق ورکړ چې بریف کیس ساتونکي وزیران نور په هیواد کې وزارتونو اخستلو ته پرینږي چې دغه پریکړه دکاني کرښه او دولس د زړه آواز ده.

د اساسي قانون د جرګې مهال یو تن دولس استازي لدې امله چې زه ددې ښاغلیو د وزارتونو شدید مخالف وم- ما ته وویل چې: آخر پدي کې د شریعت لخوا کوم ممانعت موجود دي؟ ما ورته وویل چې په شریعت خو ښایې ته له ما څخه ښه وپوهیږي خو زه درته دومره ووایم چې یو چاته زما اوستا پدې هیواد کې له ولسمشری وروسته دوهم با مسوولیته منصب (څوکي) سپارلي کیږي او دي بیا هم وایې چې بریف کیس را څخه مه اخلي، معنا دا چې که په دې هیواد کې بیا کوم اړي کړي راځي او یا ما څه داسي وکړل چې په راتلونکې کې یې راسره د حساب کتاب ویره وي نو بیا مې بېرته هغه هیواد ته له تګ څخه مه حصاروي او بریف کیس راڅخه مه اخلئ چې زه په کې په اوسیدلو خوښ یم. او ښایي زمونږ دیر هیواد وال پدې و پوهیږي چې په دیرو هیوادونو کې د تابعیت د ورکولو پر مهال دهغه هیواد د هراړخیزو ګټو د وفادارۍ د لوظنامي (تعهد او قسمنامي فورمه) ډک کیږي چې د ډیرو هیوادونو په ځانګړي توګه د کفري او ښکیلا ګکرو هیوادونو ګټې د یو اسلامي هیواد او اسلامي امت د ګټو خلاف اوسي. نو څنګه به یو دردیدلي او مسلمان افغان د دا ډول بریف کیس ساتونکو وزیرانو په هکله باور وکړي؟

اوس چې زمونږ ولسي جرګې دغه وروستۍ پریکړه وکړه او په ځانګړي توګه چې کومو وکیلانو دغه تاریخ تایید کړ نو هغوي په خپل دې کار سره خپل ملي او اسلامي پور ادا کړچې د ټاکنو پر مهال یې له خپلو و لسونو سره کړي وو او کولای شي چې دخپلو ولسونو سره په ډاډه توګه مخ شي. ځکه مونږ دکرزي د دولت ددغو وزیرانو فعالیتونه، ورتیاوې او ولس ته پاسداري او وعدي وکتلي چې ورڅخه له څوکي اخستلو وروسته څه شول؟ او په خپلو راوړلو بریف کیسونو کې یې څه یوړل چې د ځینو د دوسیو دڅیرلو په نتیجه کې اوس پسې لوي څارنوال صاحب د انټرپول پولیسو مرسته غواړي. که په هیواد کې پاتي واې نو کم نه کم د تورن کیدو پر مهال خو په زمونږ زړونه ډاډه واې چې که چېري د عدل او انصاف حکومت راشي نویوه ورځ به ورڅخه پوښتنه وشي او ښایي له دې ویرې یې زمونږ د ولس پانګه (نړیواله مرستې) نه لوټلي او دنړۍ په بانکونو کې په یې نه کېښودې.

نو د ولسي جرګې وروستي عمل دستاینې او قدرداني وړ کار دي اوالله دي همت ورکړي چې په خپله پریکړه ثابت پاتې شي او دبریف کیسونو پرانستلوته یې سترګې نشي، ولس ورته شاباش وایې او هرافغان ورته دحال په ژبه وایې چې (مه پریږدي چې دبریف کیسونو ساتونکي وزیران شي)

هالند، ۲۵ قوس ۱۳۸۸، محمداکرام اندیشمند

عرض تسلیت و استدعای صبر جمیل به آقای سید احمدرها

عرض تسلیت به جناب سید احمد رها و همه اعضای خانواده اش که عبدالقدوس یگانه پسر خود را دیروز ۲۴ قوس ۱۳۸۸ از دست داد بدون شک نمی تواند تسلی بخش این مصیبت عظیم برای ایشان باشد. عبدالقدوس رها سکرتر احمدضیاء مسعود بود که در یک حمله ی خود مرداری پیام آوران نفرت و وحشت قربانی شد.

جناب سیداحمد رها که چند سالی است در بستر بیماری به سر میبرد و توان سخن گفتن ندارد، تنها همین یک پسر را داشت که نان آور خانواده و پرستار پدر رنجور و علیل بود. وقتی دیروز خبر شهادت قدوس جان را در این دیار دور و غربت شنیدم به سختی گریستم. هنوز صدای هق هق گریه و اشک چشمان آغای رها را که بیست و هفت سال پیش در فراق عبدالقدوس پسر یک یا دوساله اش در آن دره ی زیبای "وریچی" نهرین می ریخت به خاطر دارم. این پیر مرد دردمند که امروز در بستر بیماری با زبان بی زبانی دردِ از دست دادن پسر جوانش را می کشد، آن روز در قرار گاه مجاهدین به فرماندهی مرحوم عبدالحی حقجو نشریه ی "سنگر" را بنیان گذاشته بود. آغای رها ابتکار و پشتکار شگفت آوری داشت. او در ولسوالی نهرین ولایت بغلان نشریه ی سنگر را برای اولین بار در میان تمام جبهات مجاهدین افغانستان با استفاده از حروف طباعتی و توسط وسیله ی دست ساز چوبی دست خودش چاپ و منتشر می کرد.

در یکی از روز های دل انگیز بهاران (۱۳۶۰) با مرحوم حاجی بابه از ساکنان دره ی وریچی که دفتر فرهنگی به داخل حویلی و باغ او بود در داخل دفتر هق هق گریان آغای رها را شنیدیم که به تنهایی در پای درخت زیبای گیلاس که تازه شگفته بود اشک می ریخت. حاجی بابه که مرد مهربانی بود نزدش رفت و او را به اتاق دفتر آورد و برایش گفت که آغا صاحب من را امر کنید هر مشکلی که باشد من در خدمت هستم. به پول اگر نیازی باشد من زمین و باغم را می فروشم و برای تان پول تهیه می کنم. آغای رها اشک هایش را پاک کرد و از آن مرد سپاگزاری نموده گفت، نه من به پول نیاز ندارم. فقط شرایط سخت و دشوار روزگار امروز وطنم و دوری از خانواده و اولادهایم که همه اطفال کوچکی هستند من را به گریه وا داشت. پسرم قدوس طفلی است که تازه راه می رود. دلم برایش تنگ شده است. آنها در بدخشان هستند و من این جا در نهرین بغلان به کوه و دره به دره می گردم و نمیدانم آنها در آنجا در چه حالی قرار دارند؟

اما امروز که آغای رها در سن پیری و درماندگی در بستر بیماری افتیده است و به قدوس یگانه پسر تیمار دار پدر نیاز داشت، دیگر پسر پرستار خود را بر بالین بیمارش نمی بیند. چه مصیبت بزرگ و جانسوزی!

خداوند متعال به او و همه اعضای خانواده اش صبر جمیل اعطاء کند.



د کرزي دولت

او د اداري فساد پر ضد د مبارزې غوغا

رفيق بحر

د بن له پريکړی وروسته چي په هيواد کي کوم نظام مينځته راغلي نوله لومړی ورځي څخه پکي د چور چپاول، رشوت، درغليو او د اداری فساد اتلانو! پوخ سنګرنيولی دی چی له امله يي د څوارلس کلن جهاد او بياوروسته د کورنيو جګړو په نتيجه کي وران او ويجاړ شوي افغانستان سره د نړيوالو لخوا په مليونونو دالرو مرستي تالاترغی شوې او دافغانستان د هراړخيزی آبادی او بيارغوني لپاره ورکړاي شوي مرستي دغو ښاما را تو داسي هړپ تړپ کړي چي نړيوال او پخپله افغانان ورته هم حک پک او ګوته په خوله حيران پاتي دي.

ولسمشرکرزی واکمنی ته په لومړي څل د رسيدلو پر مهال هم ولس ته ښي غوړي وعدي ورکړي وي چي کار اوځوکي به په هيواد مېنو او دکار وړو افغانانو ته سپاري خو دنومورې اته کلني دورې په ډاګه کړه چي کرزی صاحب خپلو وعدو ته دعمل دجامي په اغوستلو کي پوره پاتي راغلي او لاداسي څرګنده شوه چي ښايي کرزی صاحب هم ددې قهرمانانو! ملګري وي چي له امله يي دکرزي صاحب د دوهم څل لپاره د ټاکنو د مخه د اداری فساد پرخلاف د مبارزې شعار داخل نړيوالو او په ځانګړې توګه دامريکانوي ولسمشر اوباما هم لکه دطوطي په ځيرخپله نغمه وګر ځوله چي ورسره د افغانستان په ولس کي يوځل بيا د باورکولو څرک پيدا شو چي ښايي بهرنيان به په رينښتيا نورله اداري فساد څخه تنګ راغلي وي، هماغه وو چي د کرزي دولت ته يي د نوموړي په دوهم څل دواک په ګدی، د کښيناستلو او د ټولټاکنو د نتيجو د اعلان د مخه کرښه را کښله او ورته يي شپږ مياشتي وخت ورکړ چي پدې دوران کي دې ولسمشرکرزي دا اداري فساد جوړي وباسي او هم دې په نوي کابينه کي په درغليو تورن کسان نه ټاکي ورنه نړيوال به افغانستان ته خپلي مرستي ورکول پرېږدي چي داخل دنړيوالو سورچراغ (اشاري) څلولو د کرزي او دهغه پلويانو سره څه انديښني پېداکړي او يوځل بيا ولسمشر کرزی لکه دخپلي لومړنی دورې د واکمنی په پيل کي يي چي داداري فساد پرخلاف د مبارزې د عمل او د شعار بد رګه کولو تا بيا ونيوله او داخل خو يي پوځونو ډرامايي مانورې هم پيل کړي لکه د کابل د تاريخ تيرښاروال صاحب په اداری فساد کي د ککړتيا په تورکي د نيولو او يوساعت وروسته دهغه د بيرته پرېښودلو مانور او يا هم دحج او اوقافو د وزارت دمسوولينو او دنړېدي دريو زرو په شاوخواکي (د وزيرصاحب د خولي له مخي د مذهبي ويټولرونکي پوځ!) مسجد امامانو د واک تيکه دار وزيرچکري صاحب او څينو نورو پخوانيو وزيرانو پرخلاف د درغليو د دوسيو پر قولو مانور، چي دامانور لومړي په بهرکي دڅينو رسنيو اوبيا په داخل کي دڅينو رسنيو لخوا پيل شو او کرزی صاحب تري هم پوځه خونداخست. خو د وزير صاحب احساساتي مطبوعاتي کنفرانس باندي ددي مانور براس هم ډېر ژر کښيناست او لوټل شوي حاجيانو (د الله جل جلاله دکور ميلمنو) ته دحال په ژبه وويل شو چي خير دي الله به يي عوض درکړي!

همدارنګه دلينندی په پنځلسمه نيټه د سه شنبي په ورځ د بهرنيو چارو وزارت ترسيوري لاندي يو دري ورځني کنفرانس د اداري فساد د عواملو او د دهغي د له مينځه وړلو لارو چارو ترعنوان لاندي داېر شو چي پکي به د اداري فساد دمخنيوي په لارو چارو او عواملو باندي بحث کيږي. خو ترکومه چي د کرزي دولت د چارواکو له رويو څخه څرګندده نو هغه داده چي

ولسمشر کرزی او دهغه پلويان نه غواړي چي اداري فساد له مينځه ولاړشي، د کوم دولت چي لوړ پوړي چارواکي په اداري فساد او درغليو کي ښکيل وي نو څنګه به مرغه ناروغي له افغاني ټولني څخه ليري کړي او که په رينښتني توګه ولسمشر کرزي د اداري فساد مخنيوي غوښتلاي نو تاريخ تيرشوي هغه ښاروال به يي له يوه ساعت بند وروسته بيرته نه خوشي کولاي چي هره اونۍ کي يوځل خپلي کورنۍ ته بهرته ځي او يا به يي دهغو لکونو ډالرو جرړه پيداکړي واي چي له سعودي څخه د راتګ په مهال له څينو چارواکو سره په هوايي ډګر کي نيولي شوي وو.

او که کرزي په دي اړه رينښتوني وي نو دافغانستان علومو اکادمی لخوا د اداري فسا د مخنيوي ترعنوان دوه کاله وړاندي په يوعلمي سيمينار کي پريکړه شوې دا ماده به يي عملي کړي واي چي پکي ليکوال په خپله د احتساب په نامه د يوې داسي پياوړي ارګان (اداري) جوړلو غوښتنه کړې وه او بيا د سيمينار په پريکړه ليک کي منلي شوې او پاس شوې هم وه چي بايد غړي يي په وطن مين پوهان او سي. او که رينښتيا هم دکرزي دولت اداري فساد مخنيوي غوښتلي نو د وزيرانو له خوا د خپلو شتمنيو د ثبتولو هغي لړي ته به يي دوام ورکړاي واي چي يو څو وزيرانو د غولولو لپاره خپلي شتمني اعلان کړي خو نورو ډيرو پکي ځان غلي ونيولو او لاتراوسه هم وزيران دي. نو دکرزي دولت به هله به خپل دې شعار کي صادق اوسي چي څو ورځي وروسته له وزارتونو ليري کيدونکو وزيرانو د شتمنيو په هکله بيا پوښتنه وشي چي اوس څومره دي؟ او ورته وويل شي لکه چي د راشدينو خليفه ګانو کړنلاره وه. چي (من اين لک هذا) يعني له کومه دي کړي دغه شتمني.

سفر براون به قندهار

وحیدمژده

بعضی از این مقامات خارجی با صراحت و جرئت از دلیل اصلی سفر شان سخن میگویند به عنوان مثال وزیر دفاع امریکا هنگام سفرش به کابل گفت که هدف وی از این سفر تحت فشار قرار دادن آقای کرزی است تا عناصر خوب و کارفهم را در کابینهٔ جدید جای دهد. وی بخصوص از دو پوست کلیدی وزارت دفاع و داخله یادآوری نمود که باید در آن کسانی بکار گماشته شود



در حالیکه مردم افغانستان در انتظار اعلام لیست وزرای پیشنهادی حکومت به پارلمان اند، سفر مقامات بلند پایهٔ خارجی این کار را به تعویق انداخته است. هرروز خبر از سفر شخصیتی به افغانستان بگوش می رسد که این انتظار را طولانی تر می سازد.

بعضی از این مقامات خارجی با صراحت و جرئت از دلیل اصلی سفر شان سخن میگویند به عنوان مثال وزیر دفاع امریکا هنگام سفرش به کابل گفت که هدف وی از این سفر تحت فشار قرار دادن آقای کرزی است تا عناصر خوب و کارفهم را در کابینهٔ جدید جای دهد. وی بخصوص از دو پوست کلیدی وزارت دفاع و داخله یادآوری نمود که باید در آن کسانی بکار گماشته شوند تا در طول پنج سال آینده در جهت آموزش و تجهیز اردو و پولیس ملی توان کار مشترک با جامعهٔ جهانی را داشته باشند.

اما سفر از قبل اعلام نشدهٔ آقای گوردون براون صدراعظم بریتانیا به افغانستان ظاهرا به مسایل نظامی رابطه داشت. وی در دیدار با نیروهای انگلیسی گفت که زمان حساس فرا رسیده است. انگلستان نیروهای بیشتری را به افغانستان خواهد فرستاد تا در امر آموزش اردوی ملی افغانستان کمک کنند و مبارزه با طالبان را با شدت بیشتری ادامه دهند.

سفر گوردون براوان به افغانستان در شرایطی صورت می گیرد که امسال سال خونین و پر تلفات برای نیروهای خارجی از جمله انگلیس ها در افغانستان بود. در حالیکه هنوز سال ۲۰۰۹ به پایان نرسیده اما تعداد سربازان کشته شدهٔ انگلیسی از مرز یکصد نفر گذشته است.

تلفات جانی همراه با خسارات مالی هنگفت از جمله دلایلی است که موج مخالفت با شرکت سربازان انگلیسی در جنگ افغانستان را در میان مردم برتانیا افزایش داده است اما دولتمردان این کشور به مردم می گویند که اگر آنها افغانستان را ترک کنند در آنصورت مجبور خواهند شد تا با تروریست ها در خیابان های لندن بجنگنند. ایجاد کابوس جنگ در خیابان های لندن در ذهن مردم این کشور توانسته است تا اکنون از میزان شدید تر مخالفت ها بکاهد اما مشکلات اقتصادی در انگلستان که ناشی از بحران اقتصاد جهانی است، فشار بر بودجهٔ این کشور را بشدت افزایش داده است.

طوریکه می دانیم هرکشور عضو ناتو مجبور است تا مصارف سربازان خود را خود بپردازد. دولت انگلیس از چند سال گذشته تحت فشار افکار عمومی قرار داشته که به حفظ جان سربازان خود توجه چندانی نداشته است. اکنون دولت انگلیس می خواهد از بخشی از بودجهٔ نظامی خود در داخل بکاهد و آنرا به جنگ در افغانستان اختصاص دهد.

در سال آینده یک پایگاه هوائی در داخل بریتانیا تعطیل خواهد شد و هزاران نفر از پرسونل غیر نظامی آن کار های خود را از دست خواهند داد. دولت بریتانیا برای رفع نیاز های اردوی این کشور در افغانستان مجبور است تا تعدادی هلی کوپتر گرانقیمت از نوع چینوک سفارش دهد و البته نیروی بیشتر به امکانات بیشتر و نفربرهای زرهی مناسب تر نیز نیاز دارد. تعداد زیادی از سربازان انگلیسی در اثر بمب های کنار جاده جان های خود را از دست دادند که گفته شد نفربر های انگلیسی توان مقاومت کمی دربرابر ماین دارد.

تغییر این برنامه ها نیازمند هزینهٔ بیشتر است که دولت بریتانیا برای تدارک آن مجبور به تغییر در اولویت هاست. اما این تغییر می تواند موجب مخالفت های بیشتر در میان مردم این کشور شود.

در گذشته انگلیس ها تمایل خود برای حل مشکل افغانستان از راه مذاکره با مخالفین را اعلام داشته بودند و این موضع آنان نوعی تضاد با اهداف و برنامه های امریکا در افغانستان را نشان می داد. در قضیهٔ موسی قلعه و بعد از آن در افشای رابطهٔ دو دیپلومات این کشور با طالبان در هلمند، روابط انگلیس ها با دولت افغانستان نیز رو به سردی گذاشت.

تحت تاثیر همین فضا بود که رئیس جمهور کرزی با تقرر پدی اشداون یک دیپلومات بلندپایهٔ انگلیسی بعنوان نمایندهٔ خاص سازمان ملل متحد در افغانستان مخالفت کرد.

در سفر اخیر براوان به افغانستان، وی از شرایط حساس افغانستان و لزوم مقابلهٔ جدی با مخالفین دولت سخن گفت. این سخنان براون را می توان همسوئی بیشتر انگلیس ها با استراتژی اوباما تلقی کرد. در استراتژی اوباما هم بجای مذاکره با سران طالبان فقط صحبت با طالبان میانه رو مطرح است که قانون اساسی افغانستان را بپذیرند و سلاح بر زمین بگذارند. به عبارهٔ دیگر طالبان فقط دو راه در مقابل دارند؛ یا تسلیم شوند یا پذیرای مرگ باشند.

این برنامه ها نیازمند حکومتی در افغانستان است که با خارجی ها هماهنگ عمل کند. برای این کار باید کسانی در این حکومت بکار گرفته شوند که مورد تائید خارجی ها باشند. تاکید روی اینکه باید جنگسالاران (واژه ای که غربی ها در مورد مجاهدین سابق بکار می برند) از این کابینه حذف شوند بیشتر بخاطر اینست که رفتار این گروه با خارجی کمی مغرورانه است و خارجی ها آنرا نمی پذیرند. وگرنه در فساد اداری هشت سال گذشته، بیشتر خود غربی ها و عناصر مورد حمایت آنها دست داشته اند.

شهردار کابل و نبرد میان نهادهای عدلی و قضای وحکومت

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

اما آنچه به شهردار کابل مربوط می شود باید گفت که توظیف این شهر دار از اول اشتباه بوده است. زیرا این شهردار از نیروی سالم جسمی بی بهره بوده است و از یک انسان نا توان نمی توان انتظار کارهای بزرگ را توقع داشت



امروزچهره شهر کابل خسته و نا امیداست شهر بی برنامه، جاده های تخریب شده، نبود کانالیزسیون، فقدان خدمات شهری، ازدحام بیش از حد ترافیک از ویژگی های این شهر است. شهرکابل گنجایش و ظرفیت این همه جمعیت را ندارد و همه ساله به تعداد نفوس این شهر افزوده می شود، هر قدر دامنه بد امنی درکشور بیشتر می گردد، به همان پیمانه این شهر میزبان شهروندان بیشتر می شود. از هشت سال بدینسو بسیاری از کسانی که خانه و کاشانه خود را در ولایات از دست داده بودند و یا از کشورهایی هم جوار وارد افغانستان گردیدند، زندگی شهرنشینی را ترجیح دادند، و با هزار حیله وترفند در اطراف ونواحی این شهر برای خود سرپنا آباد کردند این منازل بدون اجازه شهرداری و بدون برنامه شهری بنا یافته است.

طوری که دراین منازل نه سیستم آب و برق وجود دارد ونه هم کلنیک و مکتب در آن در نظر گرفته شده است، زورمندان به مناطق سبز و تفریحگاه این شهر رحم نکردند. درحالی که شهر را نمی توان بدون برنامه خدمات دقیق شهری انکشاف داد و محیط سالم شهری را به وجود آورد. تا جایی که حتی جاده های شهر کابل، مطابق فرهنگ ترافیک ساخته نشده است. جاده های این شهر ظرفیت این همه تردد وسایط نقلیه را ندارند. در صورت که همه ساله به تعداد این وسایل و وسایط نقلیه به داخل شهر افزوده می شود. و ازدیاد بی رویه جمعیت شهر را به حالت انفجار نزدیک نموده است. این ها و ده ها مشکل دیگر در شهر پنج میلیونی کابل وجود دار که تا کنون کدام برنامه روشن درجهت برون رفت از این معضل شهر از سوی دولت طرح نشده است.علت این قطیه درچیست؟ آیا مسؤولین متوجه مشکلات شهر کابل گردیده اند و می خواهند بر این شهر سرو سامان بدهند، و یا این که جنگی است میان مقامات و زمامداران و ربطی به مشکلات شهر ندارد؟

از زمان حکومت موقت تا حکومت انتخابی، شهردارهای چندی دراین شهر از سوی رئیس جمهور توظیف گردیدند، و بدون دست آوردوملموسی، کناررفتند، از جمله شهردار های که دراین شهر آمدند و رفتند، فقط شهردارکنونی در رسانه ها و محاکم خبرسازد بوده و محاکمه و محکوم گردیده است.

محاکمه، حبس و رهایی شهردار و

بحث گناهکار بودن و پاک بودن وی ربطی به شهر کابل و مشکلات و دشواری های شهروندان آن ندارد. ظاهرا حکومت که در تقلای سختی برای زودون فساد می کند، شهردارکابل را قربانی آسانی یافته بود که با خون وی می توانست لکه های درشت فساد اداری را از دامن خویش بشوید، اما موفق به کار نشد، اکنون دیده میشود کبر سر شهردار کابل جنگ سختی میان زمامداران در گرفته است.

اما آنچه به شهردار کابل مربوط می شود باید گفت که توظیف این شهر دار از اول اشتباه بوده است. زیرا این شهردار از نیروی سالم جسمی بی بهره بوده است و از یک انسان نا توان نمی توان انتظار کارهای بزرگ را توقع داشت. به سخن دیگر این شهر برای شهردار بیگانه است و شهردار برای مردم. از نظر قانون اساسی شریعت اسلام قانون کار و قوانین بین المللی شخص که به سن کهولت و نا توانی رسیده باشد تفویض کارهای پر مسؤولیت یک اشتباه خواهد بود. نمونه یک چنین نا توانی را در هیأت کابینه سال پار شاهد بودیم که از سوی نمایندگان مجلس به یک وزیر ضعیف و ناتوان دست رد داده شد. و این شخص معروض به سلب رأی اعتماد شد و از سوی پارلمان گردید.

توظیف یک چنین شهردار بی کفایت رنج دیگری است که تن مجروح و نحیف این شهر آن را تحمیل نموده است.

جنگ قدرت در بقاء و حذف این شهردار، در رده های بالایی دولت عمق فاجعه را نشان می دهد. اگر چنین حمایت های بدون عذر معقول دامان حکومت آینده را بگیرد، دیگر مردم به حکومت اینده، کم باور خواهد گردید در صورتی که تصمیم محکمه برحق باشد، دفاع وحمایت غیرقانونی از شهر دار درحقیقت استخفاف و سبکسری در برابر قانون ومحکمه وا رزش های عام بین المللی خواهد بود. اگر حکومت آینده در نبرد قدرت خود را مشغول سازد به طور یقین در میان دولت و مردم فاصله ایجاد خواهدشد. و مردم کمتر حاضر خواهند گردید. تا بخاطر حل و فصل مسایل مختلف حقوقی خویش به محاکم مراجعه کنند واین کار صفوف مخالف دولت را تقویت خواهد کرد.

در آن صورت زر و زور و قدرت جای قانون و شریعت را خواهد گرفت و قانون زور درکشور مسلط خواهد گردید. مردم مردم انتظار دارند که تا بدانند که آیا محکمه حق به جانب خواهد بود و عدالت درمورد وی تطبیق گردیده و در آن حب و بغض شخصی وجود ندارد. در صورتی که محکمه به دورغ وافتراء متهم گردد افغانستان از نگاه نهادهای عدلی وقضایی آینده وحشتناک را در قبال خواهد داشت.به قول شاعر:

هرچند بگندد نمکش می زنند
وای از آن روزکه بگنند نمک

***

خوش بود گر محک تجربه آید به میان
تا سیه روی شود هرکه درآن غش باشد

فشارهای خارجی و متحدین داخلی عوامل اصلی ...

اما توانمندی کار را دارند ومی توانند شریک خوبی در امر توسعهٔافغانستان با جامعه جهانی باشند.

احمد بهزاد نماینده مردم هرات: علت به تـأخیر افتیدن کابینه را ناشی از جنجال بزرگی در ارگ ریاست جمهوری دانسته می گوید، درجریان مبارزات انتخاباتی آقای کرزی برای هوداران خود وعده های هوایی ودروغین داده بود، امروز برسر تقسیم غنایم بعد از انتخابات جعلی نمی توانند به توافق دست یابند.

تطبیق این گونه وعده ها به دلایلی از سوی حامد کرزی درشرایط کنونی امکان پذیر نیست.

بهزاد افزود بدون شک ماه عسل تیم آقای کرزی زیاد دوام نخواهد کرد وبسیاری ازمتحدان وی تا مرحلهٔ تنظیم فهرست کابینه با وی بوده ومردم افغانستان به زودی شاهد ازهم پاشی این تیم خواهند بود.

بهزاد تصریح کرد مؤتلفین کرزی هرگز براساس یک برنامه دریک محور شکل نگرفته اند، ائتلاف آنها بر اساس داد وستد ها شکل گرفته وطبیعتاً درصورتی که عملی نشود از هم می پاشد.

نمایندهٔ مردم هرات خارجیان را متهم کرد که به جای این که روی معیارها تأکید بکنند، ازافراد حمایت می کنند که این کار اصل دموکراسی را زیر سوال برده ویک نوع نظام دست کاری شده را به مردم افغانستان تحمیل می کنند..

وی مذاکره کرزی با طالبان ومشارکت آنان را درقدرت عشق یک طرفه آقای کرزی خواند وگفت: این آقای کرزی است که همیشه طالبان را برادرخطاب نموده ومی خواهد باآنها داخل معامله شوند، اما طالبان تا هنوز ازنظام آقای کرزی روی گردان بوده وعشق یک طرفه سرانجام نخواهد داشت.

گل پاچا مجیدی نماینده مردم پکیتا دراظهارات مشابهی می گوید: مداخله های خارجی چانه زنی های متحدین کرزی برسر تقسیم قدرت، ازجمله مسایل وموضوعاتی است که در به تأخیر افتیدن کابینه نقش اساسی دارد.

وی فیصله اخیر شورای ملی را که ازسوی رئیس جمهور خواسته بودند تا افراد داری دو تابعیت را به شورای ملی معرفی نکنند درامر تأخیر کابینه موثر دانست.

کلیله و دمنه و نقش آن در ...

وزیر اندیشمند انجام داده است، نخستین بیت کلیله و دمنه رودکی با پند بزرگی چنین آغاز یافته است که شکل مثل را در میان مردم بخود گرفته است.

هرکه نامخت از گذشت روزگار
هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار

امروز از کلیله و دمنه رودکی کدام نسخه یی در دست نیست. وآشوب زمان آن را برباد داده است.

ابوالعالی نصرالله کتاب کلیله و دمنه را در اوائل قرن ششم هـ به فارسی دری به نثر شیوا و مصنوع ترجمه نمود که یکی شهکارهای زبان فارسی دری به شمار می رود. اساس ترجمه ابوالعالی را متن عبدالله بن مقفع می سازد.

به قول داکترذبیح الله صفا، کلیله و دمنه ابولعالی مرسوم به بهرامشاهی از حیث صلاحیت سلاست و انشاء و قوت ترکیب عبارات، حسن اسلوب و آراستگی کلام، از عالی ترین نمونه های نثر فارسی محسوب می شود این کتاب همواره مورد توجه دانشمندان، نویسندگان و مرجع تقلید آن ها در بررسی های بعدی در امر نویسندگی قرار گرفته است.

ارزش این نثر فارسی دری به حدی است که در کتب درسی مکابت شاگردان معارف نیز از این کتاب استفاده می شود.

ابولعالی گذشته از حکایات هندی شماری از حکایات دلنشین فرهنگ خود را نیز شامل این ترجمه نموده است. این کتاب در تداوم فعالیت های علمی و مقاطع تاریخی، از جمله کتاب های تاثیر گذار بر منشیان نثر نویسان فارسی دری بوده است. یکی از بزرگترین ویژگی های این کتاب جابجایی آیات شریف، حدیث نبوی، امثال وحکم عربی و فارسی بوده است. اکه نظر به ضرورت و موضوع در داخل حکایات به کاربرده است. ابوالمعالی با وارد نمودن این قبیل نصوص مقدس اسلامی و سائر سخنان حکیمانه، بر ارزش مندی کتاب افزوده است و کتاب را جاویدان ساخته است، طوری که خواننده، این اضافات را جز و بخش اصلی کتاب می پندارد. ترجمه این کتاب در ادب عربی به حد ترجمه باقی نماند، بلکه به پیروی از آن نمونه های مماثل آن در ادبیات عربی به وجود آمده است، که می توان از کتاب "ثعله و عفراء" النمر و الشعلب" را نام برد که به وسیلهٔ سهل بن هارون تالیف گردیده است. اصل پهلوی کتاب کلیله و دمنه که ابن مقفع آن را به عربی ترجمه نموده بود، از میان رفته وبعدها متن عربی آن معیار قرار گرفته است. این کتاب به ۶۰ زبان زنده جهان ترجمه شده است که معیار این ترجمه ها همان متن عربی بوده است. حسین واعظ کاشفی کتاب کلیله ودمنه را در اواخر قرن پانزدهم میلادی به فارسی دری ترجمه نموده است به نام انوار سهیلی مشهوراست. کتاب کلیله ودمنه سرگذشت درازی داشته است. این کتاب طوری که گفته ایم، از هندی به پهلوی، از پهلوی به عربی و باز به فارسی ترجمه شده است ودر این ترجمه ها نظر به ذوق سلیقه مترجمان تحریفاتی نیز اضداد شده است. کتاب کلیله و دمنه راه خود را به سوی غرب نیز باز نموده است، از جمله لافونتین نویسنده بزرگ فرانسوی از این کتاب متاثرگردیده است. لافونتین فرانسوی این کتاب را دارای ارزش های فراوان اخلاقی و تعلیمی می نداو آن را متشکل از جسم وروح می میداند. هدف از جسم همان قالب حکایات وقصص می باشد و روح آن را مجموعه یی از مفاهیم اخلاقی وتربیتی احتوا می نماید. لافونتین در مقدمهٔ جز دوم حکایات خود هرچند خود را مکلف به نشان دادن مصادری که در اسطوره های خود در آن الهام گرفته است نمی داند. اما اعتراف می نماید که درتالیف قصه های خود مدیون اسطوره های بیدبای حکیم هندی است که کتاب آن به زبان های مختلف جهان ترجمه شده است. لافونتین درحدود بیست قصه وحکایت را از کتاب کلیله ودمنه با کمی تغییر اخذ کرده و آن ها را مطابق به مقتضیات عصر تاریخی غرب در آورده است. لافونتین درکتاب افسانه های خود، از سوژه ها و مفاهیم این کتاب استفاده فراوان برده است.

به همین ترتیب کتاب کلیله ودمنه توسط جیلبرحولمان که به زبان فارسی دری تسلط داشته است، به نثر آزاد و فرانسوی در آورده است. ارزش این کتاب در این است که باب اسطوره از طریق این کتاب به زبان های و فرهنگ های مختلف دنیا رسوخ پیدا کرده است.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و هشتم ۲۸ قوس- ۱۳۸۸ – ۲ محرم الحرام ۱٤۳۱ 19- December 2009

نمایندگان مردم درشورای ملی:

فشارهای خارجی و متحدین داخلی عواملی اصلی تأخیر درتعیین وزرا است

◈ عنایت






طبق وعدهٔ حامد کرزی رئیس جمهور با محمد یونس قانونی رئیس شورای ملی، قراربود لیست کابینهٔ جدید روزچهار شنبه، هفتهٔ گذشته به شورای ملی معرفی شود.

اما با گذشت بیش ازیک ماه از تحلیف آقای کرزی ، این اقدام به تأخیر افتیده است.

درمورد این که چه عواملی باعث شده تا رییس جمهور نتوانسته است لست وزرا را افشا کند، نمایندگان مردم درشورای ملی چنین اظهار میدارند:

خانم فوزیه کوفی نمایندهٔ مردم ولایت بدخشان، عوامل به تأخیر افتیدن لیست کابینه را در وعده های توخالی کرزی در جریان مبارزات انتخاباتی برای مؤتلفین اش دانست که برسرتقسیم قدرت اکنون به توافق نمی رسند. بانوکوفی تصریح کرد، کشورهایی که درافغانستان نیرو دارند وپول مصرف می کنند بدون شک ازکرزی خواسته هایی مبنی بر راه یابی افراد مورد نظرخویش در حکومت را دارند ومی توان این دو مورد را عوامل عمدهٔ تأخیر درمعرفی کابینه دانست.

درمورد خواست مردم افغانستان ازحکومت جدید می گوید: مردم افغانستان همیشه خواست شان این بوده که در کشور یک حکومت مسوول وپاسخگو وکارا به وجود بیاید، چیزی که متأسفانه طی هشت سال گذشته وجود نداشته وامروزه یکبار دیگر آقای کرزی بر سر دوراهی قرار گرفته است ونمی تواند بین منافع متحدین اش که یقیناً شخصی وگروهی است ومنافع مردم افغانستان که جنبه عمومی دارد تصمیم قطعی اتخاذ نماید.

خانم کوفی تصریح کرد؛ امروز دنیا ومردم افغانستان ازکارکردهای هشت سال آقای کرزی وتیم کاری اش نا امید شده اند و از وی انتظار دارند تا برای آخرین بار فرصت را ازدست نداده درتصمیم گیری های خود محتاطانه برخورد نماید و افرادی را درکابینه معرفی کند که شایسته گی خدمتگزاری را به مردم افغانستان داشته باشند.

خانم کوفی درپاسخ به این سوال که گویا فشارهای بیرونی وجود دارد که مشارکت طالبان درقدرت وحضور شان درکابینه جدید کرزی در نظر دارند؟ افزود، بدون شک درجریان مبارزات انتخاباتی وبعد از آن آقای کرزی ازمذاکره باطالبان حرف زده وامکان دارد هنوز این روند ادامه داشته باشد، اما به باور وی قضیه طالبان چیزی نیست که راه حل آن دردست چند دلال خارجی و افراد خاص داخلی باشد.

سیدحسین عالمی بلخی نمایندهٔ مردم کابل نیز عقیده دارد عواملی چون فشارهای جامعهٔ جهانی، مذاکره باطالبان، امتیازخواهی متحدین کرزی از جمله عواملی به تأخیر افتیدن اعلان لیست کابینه ازسوی رئیس جمهور کرزی می باشد.

وی افزود، با مشکلات سیاسی که کشور به آن روبروست احتمال می رود این روند نیز طولانی ترشود ومعرفی کابینه زمانبرگردد.

وی معتقد است که انگلیس ها اصرار دارند طالبان باید درکابینه جدید حضور داشته باشند ودرعین حال امریکا با وساطت پاکستانی ها مذاکراتی را با طالبان درپاکستان دراین روزها انجام داده اندکه ادامه همان مذاکرات سازمان استخباراتی امریکا (سیا) درهمکاری استخبارات پاکستان (آی اس آی) است که چندی پیش صورت گرفته بود.

آقای بلخی گفت: درصورتی که این مذاکرات به نتیجه برسد احتمال آن وجود دارد که ازطرف طالبان هم کسانی درکابینه حضور پیدا کنند.

وی درپاسخ به این سوال که آیا تصمیم شورای ملی برای رد افراد دارای تابعیت چند گانه تأثیری منفی در دیدگاه جامعه جهانی خواهد داشت گفت، افرادی زیادی در این کشور وجود دارند که تابعیت دوگانه ندارند،

ادامه درص۷

نوي کابينه اونوي ستونزي

ځپاند

کيداي شي چې نن (دليندی اته ويشتمه) نوي کابينه او يا يو شمير نوي وزيران، ولسي جرګي ته و د وپيژندل شي...

اټکل کيږي چې ځينې مهم وزارتونه د پخوانيو وزيرانو په لاس پاتي شي.

په دي هکله د دفاع، بهرنيو او کورنيو چارو وزيران، ياديږي.

ددي اټکل عمده دليل دادئ چې کله په تيره اوه نۍ کې د بريتانيي لومړي وزير افغانستان ته راغی نو د دولت له رئيس سره دا دري کسان- د امنيت له لوي رئيس سره- د هغي خدمت لپاره کندهار ته ورغلی و!

عجيبه ده! د يو بل هيواد صدراعظم زمونږ ملک ته راځي خو پلازميني ته نه راځي او دحکومت مشراو مهم وزيران دهغه د ليدلو لپاره کندهار ته ورځي. ويل کيږي چې د بريتانيي د صدراعظم تاييد ددې وزيرانو په هکله اخستل شوی او کيداي شي چې مخکی نه دبريتانيي له خوا کم ترکمه يوه کس باندی ټينګارشوي وي.

دا په داسی حال کي ده چې پرون (دجمعی په سهار) د رسنيو له خوا يو خبر خپور شو چی لوي څارنوال سره داداری فساد په لړ کې د پنځلسو وزيرانو نومونه شته چې دبهرنيو او کورنيو چارو وزيران هم پکي شامل دي. د لوي څارنوال مرستيال وويل چې دوی جرمی دوسيه نلری خو د دوی په هکله څه خبری شته ... خدای خبر چه څوک رښتيا وايي او اصلی کيسه څه شی ده...

کرزی صاحب ډيری ستونزی لري... د ټاکنو څخه مخکی او دټاکنو په جريان کی له مختلفو ډلو ټپلو سره يې خبری کړی وي او هغوي ته يې وعدي ورکړی وې. ځينو له پخوا څخه ويلي ؤ چې مونږ سره څو فيصده په حکومت کې د ګډون وعده راکړل شوی ده... که چيری دا افراد او ډلي وشميرونو که دنوی کابينی د وزيرانو شمير سلو ته ورسيږي، بيا به هم ځينی کسان بهرپاتي شی او کرزی صاحب به ونشی کولای چې خپلی وعدي ترسره کړي.

سربيره پردي، کرزی صاحب غواړی چې د حکومت مشروعيت تر لاسه کړی، هغه مشروعيت چې د انتخاباتی سيالانو له ګډون څخه پرته به امکان ونلری. په تيروټاکنو کی يو نوماند هم و نشو کولاي چې لازمی رايی ترلاسه کړی نو ځکه ټاکنی دوهم پړاوته ولاړي. دوهم پړاو هم دسيال نوماند د اعتراض له وجهي نه ترسره نشو او د ټاکنو د کميسيون له خوا د کرزی د دويمي دوری ولسمشری اعلان شوه چې د کميسيون نظر نشی کولای هغه ته مشروعيت ور وبخښي! اوس يواځيني لاره چې موجوده ده، هغه د سيال نوماند د پلويانو قناعت او رضايت ده ويل کيږی چې کرزی صاحب د اسلامي جمعيت مشرڅخه غوښتي چې نوی حکومت لپاره اوه وزيران او لس واليان معرفي کړی او څو کسان معرفي شوی هم دي نو تراوسه پوری نده معلومه چې آيا کرزی کولای شی چې ګڼ شمير کسانو ته برخه ورکړی او يا هم بيا ګڼ شمير کسانو ته دوکه ورکوي؟!

د روانی اوه نی په پيل او يا مينځ کی به دا سوال ځواب شی خو اصلی خبره د ستونزو ده چې کرزی صاحب به د ستونزو له جال او جنجال څخه به څه وخت خلاص شي؟



اظهار تسلیت به آقای سید احمد رها



با تأسف فراوان از شهادت سید عبدالقدوس فرزند آقای سیداحمد رها اطلاع یافتیم.

آقای رها تمام عمر پربار خویش را در راه خدمت به فرهنگ و مطبوعات سپری نمود، خدمات وی در کارهای فرهنگی و مطبوعاتی جمعیت اسلامی افغانستان بسیار برجسته است، وی در روزگاران جهاد علیه اتحاد شوروی، در دوران هجرت، پس از پیروزی مجاهدین و در زمان مقاومت، همیشه در عرصهٔ مطبوعات حاضر بود و با مهارت فوق العاده یی که در کار چاپ، دیزاین و نشر داشت، با کمترین امکانات، دستآوردها و فعالیت های بزرگی را به ثمر رساند.

آقای رها اکنون که در ایام پیری و در بستر بیماری قرار دارد و بر اثر سکتهٔ مغزی قادر به سخن گفتن نیست، یگانه پسر جوان خویش را در حادثهٔ تروریستی ٢٤ قوس وزیر اکبر خان از دست داد و در شرایطی که به کمک فرزندش نیاز داشت، مجبور گردید سرپرستی کودکان یتیم وی را نیز به عهده بگیرد.

بخش فرهنگی جمعیت اسلامی افغانستان و هفته نامهٔ مجاهد که خود را مدیون خدمات شباروزی و شایستهٔ آقای رها می داند، تسلیت عمیق خویش را به مناسبت شهادت فرزند دلبندش سید عبدالقدوس اظهار نموده، برای شان از خداوند توانا صبر جمیل آرزو می کند.

هفته نامهٔ مجاهد